

## ارائه فرآیند طراحی شهری راهبردی به منظور بازآفرینی گذرهای تاریخی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

کد مقاله: ۵۶۳۲۱

کیمیا حق‌نگهدار<sup>۱\*</sup>، علیرضا صادقی<sup>۲</sup>

### چکیده

ساختار تاریخی هر شهر ایرانی سندی سه‌بعدی از سیر تحول تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد. این ساختار که بر شبکه‌ای هم‌پیوند از گذرهای تاریخی استوار گشته، به مثابه منبعی غنی از هویت و اصالت به شمار می‌رود، می‌بایست در شرایطی درخور، مورد حفاظت و استفاده قرار گیرد تا استفاده نسل‌های آتی از آن با محدودیتی مواجه نگردد. در این راستا، می‌توان با بهره‌مندی از پتانسیل‌های کالبدی موجود در آن به بازآفرینی شبکه‌ای پیاده‌راهی در میانه آن اقدام کرد. این اقدام ضمن رونق‌بخشی به تک‌فضاهای موجود در ساختار تاریخی و ارتقا کیفیت کالبدی آن، نشانی از روزگاران توسعه پارادایم‌های مرتبط با پیاده‌مداری بر آن نگاشته و به نسل‌های پس از خود تقدیم می‌کند. بدین ترتیب در این نوشتار کوشش بر آن بوده است تا در قالب پژوهشی توصیفی-تحلیلی، ضمن مروری بر اهداف و راهبردهای بازآفرینی، به تبیین جایگاه منحصر‌فرد گذرهای تاریخی و پتانسیل‌های کالبدی آن پرداخته شود. در انتها نیز فرآیندی راهبردی به منظور بازآفرینی شبکه گذرهای تاریخی ارائه گردیده است که ضمن در نظر داشتن یکپارچه کلیه مولفه‌های موثر در روند فرآیند، انعطاف‌پذیری لازم جهت انتباراق با ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی ساختار هر یک از شهرهای ایرانی را دارد.

واژگان کلیدی: فرآیند طراحی شهری راهبردی، بازآفرینی، گذر.

۱- دانشجوی طراحی شهری دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) *kimia\_h\_teh@yahoo.com*

۲- دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران

## ۱- مقدمه

طراحی شهری به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، به تدریج در نیمه دوم قرن بیستم به وجود آمد که به منزله نقد و ضعیت معاصر شهری و پاسخی به شکست آشکار حرفه‌های مرتبط با ایجاد محیط مصنوع جهت رسیدن به مکان‌های با "کیفیت" بود. به ویژه با این هدف پدید آمد که چگونه می‌توان مداخله‌های متعددی را برای عملکرد بیشتر مجموع اجزای سازنده آن‌ها بهتر همانگ کرد. (کرمنا، ۲۰۰۹: ۴) بنابراین جهت حصول اطمینان از تحقق مطلوب اهداف مورد نظر از یک اقدام در عرصه شهر، لازم است اقدامات مربوطه در چهارچوب یک فرآیند سازمان‌دهی و به اجرا درآیند. طراحی شهری مانند معماری و برنامه‌ریزی، نشان‌دهنده یک روند و همچنین شامل مجموعه‌ای از مخصوصات است. طراحی شهری مانند یک فرآیند در جریان است که مدت‌ها قبل از اینکه برنامه توسعه ایجاد شود و مدت‌ها پس از اتمام آن، ادامه می‌باید. (همان: ۳۶) بنا بر تعریفی از علی مدنی‌پور (۱۹۹۷)، طراحی شهری فرآیندی است که فرآورده‌اش در وهله اول مجموعه‌ای از ایده‌ها، سیاست‌ها و تصویرهای است، و به محض اینکه به اجرا درآید، همه این‌ها تبدیل به بخشی جدید یا تغییر یافته از یک فضای شهری می‌شوند. (Madanipour, 1997)

از سوی دیگر، کاملاً آشکار است که شرط موقیت هر اقدام توسعه‌ای، درآمدها بودن آن است. سطح درآمدزایی باید به گونه‌ای باشد که گذران زندگی و سرمایه‌گذاری برای تضمين رشد اقتصادی و هزینه کردن برای مقولاتی نظیر نگهداری و تعمیرات تاسیسات، بهبود تاسیسات، به کارگیری تکنولوژی جدید و انجام اقداماتی برای نوآوری و دوام آوردن در بازار رقابتی امکان‌پذیر است. (فاضلی، ۱۴۰۰: ۴۵) در یکی دو دهه اخیر، گردشگری شهری به یکی از اصلی‌ترین مصاديق فعالیت فرهنگی و اقتصادی در شهرها بدل گشته، و در وضعیت امروز نوعی "تجارت" به شمار می‌رود. بدین ترتیب، شهر به مکانی تبدیل می‌گردد که در آن آمیزه‌ای از فرهنگ و اقتصاد سر بر می‌آورد، نمو و گسترش می‌باید. همچای این تحول، و بر پایه "صرف فرهنگ" در شهر، محیط کالبدی شهرها ارزش دوباره می‌باید، و حفاظت تاریخی معنادار می‌شود. (لطفى، ۱۳۹۱: ۱۶۰) حفاظت شامل حفظ و احیای سرمایه و دارایی‌های فرهنگی، تاریخی و معماری مکان می‌شود. همچنین در جهت احیای بافت اجتماعی محلات و تجدید حیات اقتصادی جوامع محلی که نیروی حیاتی هر ناحیه تاریخی است گام برمی‌دارد. (کالتروب، ۹۰-۹۱: ۲۰۱۱) هدف از این اقدامات در بافت‌های تاریخی، حفظ ساختار و عملکرد آثار و اینه، در عین تجهیز آنان برای تأمین و انتباط با نیازهای جامعه‌ای امروزی است.

امروزه به سبب فرآیند "جهانی شدن"، که با سرعتی روزافزون در سراسر جهان در حال انتشار است؛ نیازهای اجتماعی- اقتصادی و به دنبال آن روند شهرنشینی با تغییراتی بنیادین مواجه شده و ضمن در پیش گرفتن مفاهیمی چون "یکسان‌سازی" و "گسترش شهرها" و ... در عرصه طراحی اینه و شهرها، رونق زندگی از این بافت ارزشمند روی برگردانده است. کالتروب (۲۰۱۱) بر این باور است که در عصر مدرنیسم، استانداردسازی به عنوان مکمل تخصص گرایی به سرعت منجر به یکسان‌سازی جوامع محلی شد که حرکتی بی‌ بصیرت و بدون توجه به تاریخ و زوال بسیاری از سامانه‌های بوم‌شناختی به شمار می‌رفت. "اندیشه یکسان‌سازی" سبب از بین رفن و نابودی کیفیت‌های خاص و منحصر‌بفرمکان و جامعه محلی شد. (همان: ۸۵-۸۶)

بافت تاریخی هر شهر به جهت ارزش‌های کالبدی و معنوی نهفته در آن که ریشه و بنیانی متعلق به پیش از تفکرات محدود و مشخص "مدرنیسم" دارد؛ دارای خصوصیات و ساختاری یکانه و متعلق به خویشن است. منحصر‌بفرد بودن و به دنبال آن هویتمندی این ساختار، برای گردشگران خارجی به مثابه پدیده‌ای متفاوت و نوین، و برای گردشگران داخلی در قالب بهانه‌ای برای مرور خاطرات پدیدار شده و نهایتاً به عنوان منبعی جاذب گردشگر برای شهرهای دارای تاریخ سرشار به شمار می‌رود. بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که با پیگیری مجموعه اقداماتی پیرامون احیا و حفاظت از این منبع هویتی، می‌تواند به منبعی درآمدی پایدار برای شهر بدل گردد. بنا بر گفته بحرینی و همکارانش (۱۳۹۳: ۱۳۹۳)، عوامل و اقدامات مختلفی در شهر بر اقتصاد تاثیر می‌گذارند. برخی دیدگاه‌های اقتصادی این نهضت عبارتند از: احیای بافت‌های کهن شهری، و انتباط آن با کاربری‌های جدید؛ استفاده از همه فنونی که فناوری و مواد و مصالح جدید در اختیار می‌گذارند و عملکردگرایی. افرادی چون راب‌کریر و فرانسیس تبیالدز، بر حفظ و احیای بافت‌های کهن تاکید می‌کنند؛ زیرا به اعتقاد این گروه، این بافت‌ها علاوه بر ارزش فرهنگی و معنوی، می‌توانند ارزش اقتصادی نیز داشته باشند و استفاده از آن‌ها مقرر به صرفه‌تر از توسعه‌های ناموزون شهری و احداث معابر جدید است. (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۵)

بیل هیلیر (۱۹۹۶) معتقد است، بیشترین کارکرد فضای شهری، حرکت است. بیشترین حرکت از طریق حرکت به وجود می‌آید، که خود ناشی از امکان‌هایی است که شبکه برای اتصال مسیرها و نقاط مختلف به یکدیگر در اختیار خطوط حرکتی قرار می‌دهد. حتی غیررسمی‌ترین فضاهای نیز با حرکت ارتباط دارند. شبکه شهری و اثری که از این طریق روی اقتصاد در حال حرکت می‌گذارد، منبع اصلی تولید عملکردهای مختلف است و به شهر حیات می‌بخشد. (Hillier, 1996) ساختار شهرهای تاریخی ایرانی اسلامی را نیز شبکه‌ای منسجم از معابر تشکیل داده‌اند که علاوه بر اتصال مکان‌های شهری به یکدیگر، وظیفه هدایت پیاده از دروازه شهر به مرکز و عناصر شاخص شهری، و همچنین از محله‌ای به محله دیگر را بر عهده داشته‌اند.

بنابر آنچه گفته شد در این نوشتلار بر آنیم تا در قالب پژوهشی توصیفی-تحلیلی، ضمن مروی بر ادبیات نظری موجود، به تدوین فرآیند طراحی شهری جامعی جهت بازآفرینی گذرهای بافت تاریخی شهرهای ایرانی پیردازیم. این شبکه منسجم و بهم پیوسته شهری، که در روزگارانی به مثابه شبکه خون‌رسانی بدن، وظیفه انتقال و جابجایی جمعیت در اندامواهه یکپارچه شهر را ایفا

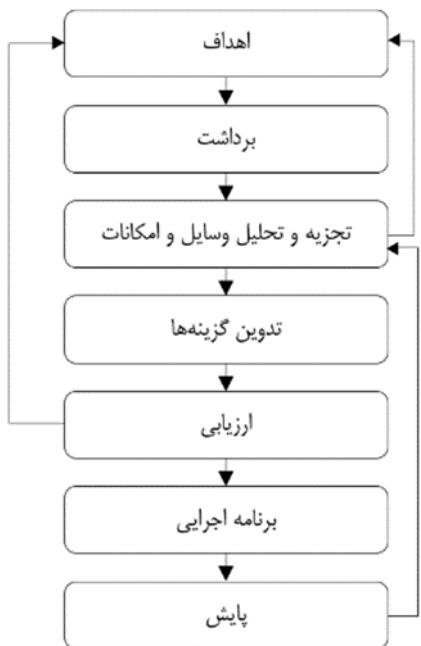


می‌کرده است؛ امروزه با اقداماتی از جنس احیا و بازآفرینی، جانی دوباره یافته و با جذب گردشگران ایرانی و خارجی، می‌تواند به عنوان قلب اقتصادی شهرهای غنی ایرانی اسلامی عمل کند.

## ۲- مبانی نظری

در بررسی ادبیات موجود، هر یک از مفاهیم پایه‌ای مبانی نظری پژوهش بر اساس دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان مختلف در حوزه شهرسازی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۲-۱- فرایند طراحی شهری راهبردی



تصویر ۱- فرایند طراحی شهری راهبردی.  
(ماخذ: گلکار، ۱۳۹۰)

طراحی شهری با موضوع تغییر محیط طبیعی درگیر است و در بی آن است که کیفیت محیط مصنوع را ارتقا دهد. لذا طراحی شهری که به طور گستردگی با محیط مصنوع سروکار دارد، نیازمند برخورد عقلایی با محیط طبیعی است. (شیعه و همکاران، ۱۳۹۴) داشش طراحی شهری، همانند کلیه دانش‌های محیطی، ارائه هرگونه طرح و راه حل را منوط به تشخیص مستله می‌داند. به همین دلیل تدبیر راه حل وابسته به فرآیندی است که طی آن باید سلسه‌مراتبی از اقدامات انجام گیرد تا دستیابی به راه حل میسر گردد. (دکاوی، ۱۳۸۱) بنابر گفته‌علی‌کائی و امین‌زاده گوهرریزی (۱۳۹۷)، طراحی شهری همواره به مثابه پدیده‌ای زنده و پویا، سیر شگرفی از دگرگونی، تکامل و الگوهای متفاوت را تجربه، و گستره وسیعی از ایده‌ها در مورد ماهیت طراحی شهری، ابعاد و مولفه‌های اساسی حاکم بر آن مطرح نموده است. بنا به عقیده آنان، این پدیده از آغاز ظهور خود در اوخر دهه ۲۰میلادی، تا به امروز به ترتیب در قالب رهیافت‌های حل مساله عقلانی، راهبردی و ارتباطی در میدان هدایت و کنترل توسعه شهرها به ایفای نقش پرداخته است. (علی‌کائی و امین‌زاده گوهرریزی، ۱۳۹۷) رهیافت راهبردی با اشتباهات گذشته دوباره رونق یافته و نوبی‌جهت پاسخگویی به مشکلات برنامه‌مراتبی و انعطاف‌پذیری شهری در ارتباط با مسائلی چون نظام سلسه‌مراتبی و طراحی طرح و برنامه‌ها، همانگی بین سازمانی، اجرایی بودن، مشارکت مردمی و توسعه پایدار می‌دهد. (علی‌کائی و امین‌زاده گوهرریزی، ۱۴۰۰)

دیدگاه راهبردی، فرآیندی چرخه‌ای و مداوم است که با مسائل، نیازها و اولویت‌های طراحی به تعیین اهداف و انتخاب عرصه‌های تصمیم‌گیری می‌پردازد. برنامه‌ریزی راهبردی، رویکردی نوین از برنامه‌ریزی است که شیوه نظام یافته‌ای برای اخذ تصمیم‌ها و اجرای فعالیت‌ها در خصوص شکل‌دهی و رهنمود هر سیستم، کارکرد و شناخت علی آن است. (حسن‌زاده و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵) این دیدگاه که در آن عمل تصمیم‌گیری، بیش از هر چیز به منظور ارتقای "اثربخشی" صورت می‌پذیرد؛ معتقد به فرآیند چانه‌زنی میان ذینفعان و تعامل میان عقلانیت و قدرت است (عقلانیت راهبردی)؛ محصول خروجی آن بیش از اینکه به صورت یک نقشه ثابت تجلی یابد، در قالب سندی مشکل از مجموعه‌ای از اهداف و سیاست‌های راهنمایت؛ و نهایتاً بخشی از یک نظام هدایت و کنترل است. (گلکار، ۱۳۹۰) پس به طور خلاصه می‌توان گفت فرآیند طراحی شهری راهبردی، فرآیندی یکپارچه و برگشت‌پذیر است که تعیین اهداف آن بر مبنای ارزیابی میمه موجود و متناسب با نیازهای آن صورت می‌پذیرد. در ادامه نیز با توجه به ویژگی‌ها و مزومات هدف و زمینه به ترتیب، سایر مراحل برداشت، تحلیل، ارائه گزینه‌های ارزیابی و برنامه‌های اجرایی پیگیری می‌شوند. در نهایت نیز صحت و کیفیت طرح مورد پایش قرار خواهد گرفت تا توانمندی طرح پیشنهادی در رفع نیاز اولیه مورد ارزیابی قرار گیرد. با نظر به اینکه این فرآیند با تعیین هدف بر حسب نیاز، آغاز شده و احتمال خطأ در شناسایی نیازهای اساسی محدوده برآورد می‌شود؛ پس از تجزیه و تحلیل امکان بازگشت و بازنگری در هدف اولیه تعیین شده وجود دارد. همچنین در پایان نیز در صورت اثبات ناکارآمدی طرح پیشنهادی در تحقق هدف مورد نظر، بازنگری در فرآیند تحلیل و اجرای طرح ضروری می‌نماید.

یکپارچگی و برگشت‌پذیری این رهیافت، انعطاف‌پذیری و اثربخشی آن را افزایش داده و همچنین امکان تعریف آن در سطوح مختلف برنامه‌ریزی را فراهم می‌آورد. چرا که مکان‌های پایدار مکان‌هایی هستند که در تمام مقیاس‌های توسعه، روندهای مداوم انطباق‌پذیری و تغییر به صورت یکپارچه و برای دستیابی به هدف محیط مصنوع باکیفیت بهتر به کار گرفته می‌شود. (کرمونا،

۳۷: ۲۰۰۹) ارائه چهارچوبی چندسطحی از تصمیم‌گیری، علاوه بر تدوین اهداف واقع‌گرایانه و مبتنی بر شرایط بستر، امكان انتقال بخشی از وظایف مربوط به تصمیم‌گیری به نهادهای محلی را فراهم آورده و زمینه را برای تحقق مفاهیم مشارکتی و توجه به خواست کنشگران سطوح پایین قدرت فراهم می‌آورد. (علی‌کائی و امین‌زاده گوهریزی، ۱۳۹۷)

بنابر آنچه گفته شد، هر بافت تاریخی دارای ویژگی‌های منحصریفردی است که آن را از سایر بافت‌ها تمایز دارد. بنابراین می‌توان اظهار داشت هر بافت تاریخی دارای ویژگی‌های، نیازهای، مسائل و پتانسیل‌های منحصریفردی است که فرآیند احیا و بازآفرینی آن را از سایرین متمایز می‌سازد. بدین ترتیب انتخاب رهیافتی انعطاف‌پذیر، مانند فرآیند طراحی شهری راهبردی، برای پیگیری فرآیند دوباره آفرینی آن مناسب به نظر می‌رسد.

## ۲-۲- بازآفرینی

"بازآفرینی شهری" را می‌باید تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در حوزه "مرمت و حفاظت شهری" بهشمار آورد. یکی از مهمترین دلایل این امر، ظرفیت بالای این رویکرد در پرداختن به ابعاد متعددی از واقعیت شهر است. "بازآفرینی شهری" رویکردی شناخته شده بهشمار می‌رود که در دو سطح راهبردی و احرایی کارآمد ظاهر شده است. (طفی، ۱۳۹۱: ۱۰۳) بازآفرینی فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصیل فضایی (کالبدی- فعلیتی) و هویتی جدید منجر می‌گردد. بازآفرینی فرآیندی جامع و یکپارچه است که از مجموعه اقداماتی برای حل مسائل شهری تشکیل شده و در جهت بهبود دائمی شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیستمحیطی به کار گرفته می‌شود؛ تا روند رشد شهرها را در چهارچوب توسعه پایدار شهری هدایت و کنترل نماید.

از سوی دیگر، کلانشهرها بیش از بقیه نیازمند آن هستند که کانون ثبات سیاسی و اجتماعی باشند و در عین حال در رقباتی بین‌المللی برای جذب سرمایه، نیروی انسانی، توریست و دیگر منابع نیز وارد شوند. (فاضلی، ۱۴۰۰: ۵۶) اصلی‌ترین وظیفه‌ای که بر عهده مرمت و حفاظت شهری در این دوران گذارده می‌شود تا به خدمت چنین صنعتی درآید؛ سروشکل دادن به مجموعه‌هایی است که بتواند "کاتالوگی" زیبا و فریبینه را پر کند و گردشگر بیشتری را به سوی شهرهای خاص جلب نماید. رقابت دائمی که از این رهگذر به وجود می‌آید، شهرها را ایجاد آنواح "اصالت‌ها" و "هویت‌ها" برای خود می‌کند، و شهرسازی می‌باید به این ادعاهای جنبه عینی و کالبدی ببخشد. (طفی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۲) بدین ترتیب، شهرنشینی سنتی، دیگر تنها، مکان شهر مرکزی، محله تاریخی، یک مرکز شهر یا مرحله‌ای که از آن گذر کرده‌ایم نخواهد بود؛ بلکه سکوی برای بسیاری از نیازهایمان اکنون در این بردهه از تاریخ، شهرنشینی سنتی اساس شکل دهنی به آینده پایدار محسوب می‌شود. (کالتروپ، ۲۰۱۱: ۴)

برندینگ شهری به معنای دستیابی به مزیت رقابتی، از طریق افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و گردشگری، و همچنین به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه اجتماعی، تقویت هویت ملی، آشنایی شهروندان با شهر خود و فعل کردن تمام نیروهای اجتماعی برای جلوگیری از محرومیت‌های اجتماعی و ناارامی‌ها می‌باشد. (ریچاردز و پالمر، ۲۰۱۰: ۲۵۰) پس می‌توان نتیجه گرفت، با احیای ساختارهای تاریخی علاوه بر دستیابی به کیفیت کالبدی منحصریفرد و متمایز، از آسیب‌های اجتماعی که در دل این بافت کهنه به متابه غدهای بدخیم در حال رشد و پیش‌روی است جلوگیری می‌گردد. بهبود شرایط کالبدی و اجتماعی زمینه مناسبی برای بهره‌وری اقتصادی از منبع فرهنگی- هویتی منحصریفرد ایجاد شده را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب شهر بالاصالت ایرانی می‌تواند میزبان شمار بالای گردشگرانی باشد که به تماسی هنر و فرهنگ ایرانی آمده و به حرکت چرخ اقتصاد آن کمک می‌کند. اما پشتیبانی از تمایز محلی به عنوان یک هدف، شدیداً ناظارتی دقیق نیاز دارد. زیرا حفاظت از بافت ساخته شده فرایندی است که با مدیریت و نگهداری در گذر زمان، به تحقق نیازهای انسانی مرتبط است. زیرا ادراکات از محل به شدت به صحنه آشنا و محظوظ محلی وابسته است و با برگشت‌پذیری ارتباط دارد. چرا که تمایز به صورت اجتناب‌ناپذیری نیازمند آن است که دارایی‌های ساخته شده و طبیعی در بلندمدت ارزشمند باشند. (کرمونا، ۲۰۰۹: ۵۱)

علاوه بر آنچه گفته شد، هزینه حفاظت از یک وات انرژی، همواره مقرر به صرفه‌تر از یک وات انرژی نو تولید شده است. "حفاظت" در طراحی شهری علاوه بر تاکید بر انرژی، کربن و محیط‌زیست، بر ترمیم و حفاظت از فرهنگ، تاریخ و همچنین اکوسیستم‌ها و منابع نیز تاکید دارد. حفاظت از بنای‌های تاریخی، ادارات، محله‌ها و فرهنگ‌ها همانند حفاظت از بنیان‌های بوم‌شناختی شهر برای سرزنشدگی و پویایی زندگی شهری، حیاتی و مهمنمایی باش. (کالتروپ، ۲۰۱۱: ۴)

استفاده مجدد، جایگزینی برای تخریب و جایگزینی ساختمان‌هاست، چرا که انرژی و ضایعات کمتری را به دنبال دارد. همچنین با احیای نشانه‌های آشنا و القای زندگی جدید بدان، منافع اجتماعی نیز فراهم می‌آورد. بخشیدن زندگی جدید به بنای‌های میراثی، منافع محیطی و اجتماعی جامعه را تضمین کرده و به حفاظت از میراث ملی کمک می‌کند. همچنین امورهای پیرانه‌های بنای‌های تاریخی به عنوان زبانهایی زیست‌محیطی به شمار می‌روند که حاوی هویت محلی، میراث فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی- اقتصادی هستند. (Misirlisoy & Guncel, 2016) بنابراین بازآفرینی شهری علاوه‌بر مزیت‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی به نوعی صرفه‌جویی در هزینه‌های زیست‌محیطی به شمار رفته و به روایی پایداری رنگ تحقق می‌بخشد. (جدول ۱)

جدول ۱- اهداف و راهبردهای بازآفرینی در ابعاد مختلف شهری (ماخذ: نگارنده)

| زمینه    | هدف                                   | راهبرد  |
|----------|---------------------------------------|---|
| نمایندگی | پویایی اقتصادی                        | <ul style="list-style-type: none"> <li>استفاده از نیروی کار محلی در رونق و اداره مراکز گردشگری</li> <li>جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی</li> <li>ایجاد اشتغال با اتکا بر مزیت‌های محلی</li> </ul>  |
| نمایندگی | تقویت حیات اجتماعی                    | <ul style="list-style-type: none"> <li>بسنسرسازی برای نظارت اجتماعی و ارتقا امنیت</li> <li>توسعه کاربری‌های گذران اوقات فراغت</li> <li>بسنسرسازی برای جلب مشارکت مردمی</li> <li>بسنسرسازی برای افزایش تعاملات مدنی و اجتماعی</li> </ul>   |
| نمایندگی | احیای هویت فرهنگی                     | <ul style="list-style-type: none"> <li>توسعه زمینه‌های فرهنگی در بافت</li> <li>اجا و معاصرسازی هنجرهای رفاقتی کهن</li> <li>اجا و معاصرسازی ارزش‌های کالبدی کهن</li> <li>معرفی ارزش‌های تاریخی-فرهنگی به گردشگران</li> </ul>   |
| نمایندگی | ارتقا کیفیت محیطی و زیستی             | <ul style="list-style-type: none"> <li>ارتقای میراث معماری در هسته تاریخی و گردشگری شهر</li> <li>معاصرسازی عملکردها مطابق با الزامات زمانه</li> <li>استفاده مجدد از فضاهای دارای طرفیت توسعه</li> <li>اختلاط کاربری و تنوع فعالیتی</li> <li>پیاده‌مداری و کاهش وابستگی به اتومبیل</li> <li>تداوی سازمان فضایی کهن در شکل معاصر</li> </ul> |
| نمایندگی | توسعه پایدار و ارتقا توسعه زیست محیطی | <ul style="list-style-type: none"> <li>توسعه زیرساخت‌های زیست محیطی و بهداشتی</li> <li>کاهش هدر رفت انرژی در تمام مراحل ساخت و بهداشتی</li> <li>مبازه با آودگی‌های محیطی</li> <li>جلوگیری از پیامدهای تخریب بی‌رویه ابنيه و متروک شدن بافت‌های قابل سکونت</li> </ul>  |

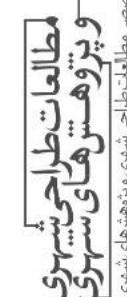
### ۳-۲- گذر

سازمان کالبدی شهرهای ایرانی، براساس پیوند فضایی میان مجموعه عناصر مرکز شهر و مراکز محلات به وسیله رشته فضاهای و عناصر ارتباط دهنده یا گذرهای اصلی شکل گرفته است. سازوارگی بافت‌های تاریخی نیز به نحوی است که سبب می‌شود هر گذر عاملی باشد برای ایجاد تصویری مشخص از هر محله یا زیربخش از بافت شهر تاریخی. (شعله، ۱۳۹۸) اصلی‌ترین ویژگی گذرهای شهری، ایجاد پیوستگی و سلسه مراتب فضایی می‌باشد. از سویی دیگر، گذر تنها وسیله ارتباط کالبدی نیست؛ بلکه سبب ارتباط فکری و ذهنی فرد نیز می‌شود. یک گذر شهری فعال می‌تواند یک پتانسیل شهری قلمداد شود؛ چرا که توانایی جاری ساختن زندگی و هیاهوی شهری در مکان‌ها را دارد و می‌تواند سبب رونق مکان‌های متصل به آن گردد. (پیراولیا و سهیلی، ۱۳۹۱) اهمیت گذر در یک ساختار شهری تا آنچاست که به بیان کالتروب (۲۰۱۱)، حتی مکان‌های شهری با طراحی خوب بدون داشتن ارتباط درست ممکن است که متروک بمانند. (کالتروب، ۲۰۱۱: ۱۱۳)

فضاهای خطی موفق، موقعیت معناداری در شبکه راههای یک شهر به دست می‌آورند. چنین مسیری با اتصال دادن مکان‌های مهم به یکدیگر، ما را به سایت‌های مهمی هدایت می‌کند و به این ترتیب حتی می‌تواند به قطبی برای جذب فعالیت‌های شهری تبدیل شود. اگر مسیر از داستان یا تاریخچه‌ای برخودار باشد، غنی‌تر و پرمحتواتر می‌شود. (کرمنا و تیزدل، ۱۳۹۷) همچنین، طراحی‌های سنتی ایرانی بر مبنای کثرت‌گرایی شکل گرفته است. به ویژه در موضوع طراحی فضاهای و بدندهای شهری، بر تنوع و تکثر تأکید بسیار صورت گرفته است. از جمله این موارد می‌توان به ایجاد تباین در معاشر و فضاهای شهری، با سروپوشیده و یا سرباز نمودن آن‌ها و بازی با نور و سایه اشاره نمود. با این ترکیب، دسته‌ای از نور در تاریکی نفوذ می‌کند، امواجی از سرما و گرما ایجاد می‌شود. صدای پای هر فرد منعکس شده و در فضای پیچید، که همه این‌ها از نظر زیبایی‌شناسی، بسیار ارزشمند هستند. (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۱) بنابراین، شبکه گذرهای تاریخی شهر ایرانی، دربر دارنده مجموعه‌ای غنی از اصول زیبایی‌شناسانه و تکنیک‌های سازگار با اقلیم است که فرد حاضر در فضا را به ادامه مسیر تشویق و ترغیب می‌کند. احیای این ساختار هویتمند علاوه‌بر رونق جریان حرکت پیاده در فضا و ارتقا سطح امنیت، منجر به بهبود دسترسی به مکان‌های کمیر موجود در دل بافت تاریخی شهرهای ایرانی شده و بدین طریق بر حضور پذیری تک‌فضاهای نیز اثرگذار خواهد بود.

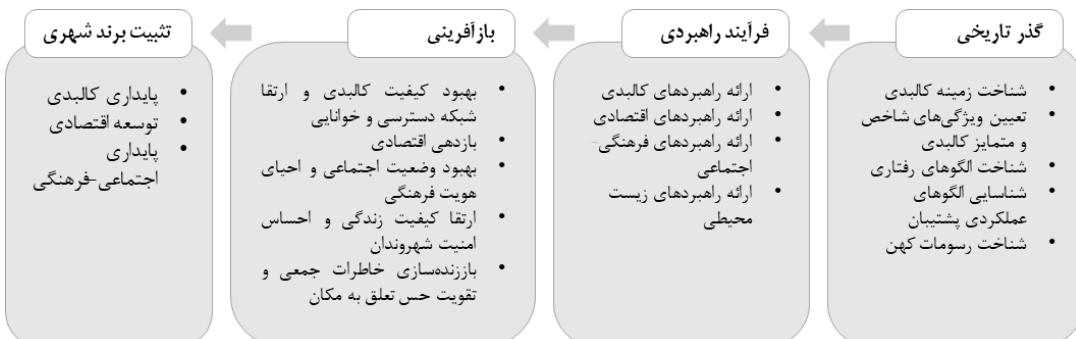
### ۴-۲- تدوین چهارچوب نظری

در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی، پتانسیل‌های کالبدی ارزشمندی به صورت بالقوه وجود دارد. با توسعه شهر و پیدایش نیازهای جدید شهری، ساکنین اصیل، محل سکونت خود را ترک کرده و این ساختار ارزشمند تاریخی با پیچیدگی‌های کالبدی منحصر به خود؛ نقاط کور متعدد و به دور از نظارت عمومی را پدید آورده است. این امر موجب تبدیل آن به بستری برای وقوع جرم



و جنایت شده است. با نزول شدید کیفیت کالبدی و اجتماعی، ارزش زمین و این کاهش یافته و به محلی مناسب برای سکونت افسار کم توان جامعه و مهاجران ناخوانده سرزمین بدل گشته است. برآیند این رخدادها، زمینه ساز شکل گیری شبکه‌ای در همتایه از گذرهای تاریخی با کیفیت نازل کالبدی را فراهم آورده است، که پتانسیل‌های منحصر بفرد کالبدی آن مورد استفاده سو قرار گرفته و مشکلات عدیده روزافزونی را برای ساکنان و به دنبال آن کل شهر و مقامات شهری، به ارمغان آورده است.

با نگاهی دوباره به این منابع کالبدی ارزشمند و مرور الگوهای رفتاری تاریخی آن، با در نظر داشتن اصول و اهداف بازآفرینی می‌توان مداخلاتی متناسب با شرایط ویژه بافت تاریخی را در مجموعه انجام داد. در این صورت آثار سو حاضر در بافت کمنگ شده و ضمن بهره‌مندی حداکثری از منابعی که این میراث تاریخی ارائه می‌کند؛ می‌توان به والاترین کیفیات محیطی دست پیدا کرد. تداوم این امر ضمن توسعه اقتصادی، دستاوردهای متعالی تری را برای شهر به ارمغان خواهد آورد. برای نمونه می‌توان به تثبیت تصویر شهر در ذهن افراد در مقیاسی جهانی اشاره کرد که موجب تثبیت برنده شهری و توسعه روزافزون آن می‌گردد. همچنین میراث تاریخی یک ملت از جمله منابع غنی هر تمدنی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، بنا به تعریف پایداری، به منظور رعایت عدالت بین نسلی، انسان امروزی موظف به حفاظت از کلیه منابع محیطی به گونه‌ای است که محدودیتی در دسترسی نسل‌های آتی به وجود نماید. بدین ترتیب، توسعه شهری باید به صورتی هدایت شود که ضمن دستیابی به شکوفایی اقتصادی و اجتماعی که از مزایای زندگی شهریست، از منابع زیستمحیطی و تاریخی شهر حفاظتی در خور صورت پذیرد. این امر نیازمند نگاهی یکپارچه و در عین حال انعطاف‌پذیر می‌باشد. چرا که اثرگذاری مولفه‌های متعدد و متفاوت بر محصول نهایی طالب نگاهی یکپارچه و همه‌جانبه به این فرآیند است. از سوی دیگر، وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی و... در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی نیاز به فرآیندی انعطاف‌پذیر را به ضرورتی انکارناپذیر بدل می‌نماید. بنابراین پیگیری فرآیندی راهبردی به منظور بازآفرینی این ساختار در همتایه و پر رمز و راز متناسب به نظر می‌رسد.



تصویر ۲- مدل مفهومی روند دستیابی به برنده شهری با به کارگیری فرآیندی راهبردی جهت بازآفرینی ساختارهای تاریخی

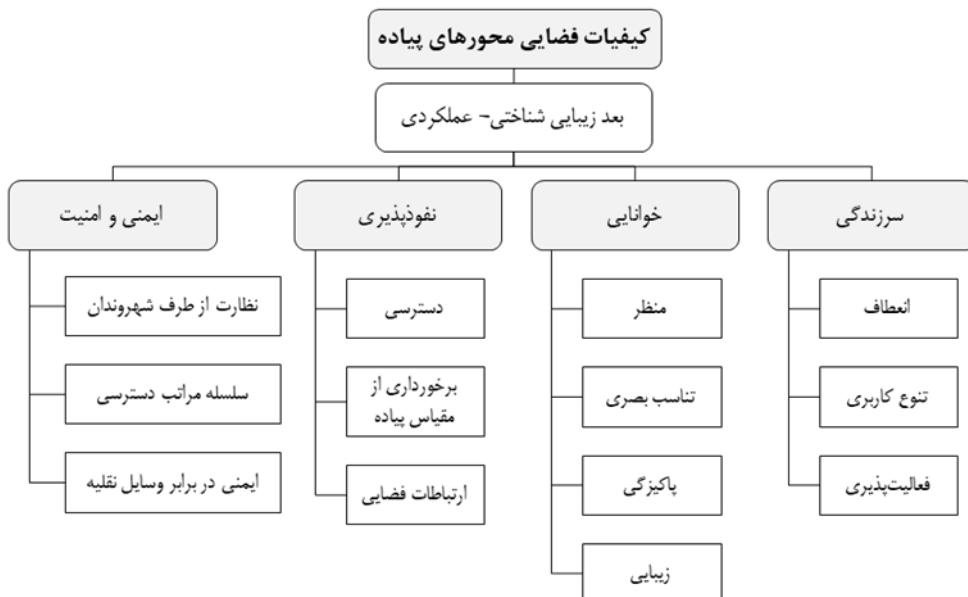
### ۳- تحلیل یافته‌ها

در بافت‌های تاریخی ایران به سبب شرایط عقیدتی و اقلیمی حاکم بر زمانه شکل گیری آن، جداره‌های معابر را اینهای نسبتاً مرتفع و فاقد روزنه تشکیل داده‌اند. این ویژگی امروزه هزارتویی در همتایه است که متروک ماندن بسیاری از بناها، نقاط کور و خارج از نظارت بسیاری را به ارمغان آورده است. امر مذکور علاوه بر کاهش امنیت و افزایش جرم و جنایت در محدوده، زوال کالبدی روزافزون مجموعه را پدید آورده است. تا جاییکه از دید عوام این میراث تاریخی به معضلی شهری بدل گشته و بسیاری خواستار رفع آن از طریق اقدامات جراحی گونه می‌باشند. از سوی دیگر بنا بر آنچه در بخش پیشین گفته شد؛ آنچه امروزه به معضل شهری بدل شده و همگان خواستار حل و فصل آن هستند، منبعی غنی از هنر و فرهنگ و هویتی ایران کهنه به شمار می‌رود که در صورت نابودی، دیگر قادر به بازتولید آن نخواهیم بود. همچنین در صورت احیا و بازنده‌سازی می‌تواند به متابه منبعی پایدار چهت توسعه اقتصادی و اجتماعی درآید. به همین منظور در این بخش ضمن مروی بر کیفیات لازم محیطی گذر پیاده، به تدوین فرآیندی راهبردی چهت بازآفرینی گذرهای تاریخی شهرهای ایرانی می‌پردازیم. شناسایی مولفه‌های موثر بر ارتقا کیفیت محیط گذر پیاده در دستیابی به نوعی از طراحی که تضمین کننده جریان پایدار حیات اجتماعی باشد، موثر خواهد بود. بدین ترتیب، شبکه گذرهای تاریخی می‌تواند به متابه شبکه خون‌رسانی، جریان پیاده را در سراسر ارگان‌های این ساختار تاریخی هدایت کرده و جانی دوباره بدان بینشند. اتخاذ فرآیندی راهبردی چهت بازآفرینی بافت‌های تاریخی امکان انعطاف‌پذیری فوایند را در مواجهه با ویژگی‌ها و مسائل خاص هر ساختار تاریخی افزایش می‌دهد. در عین حال با دیدگاهی جامع، تمامی مولفه‌های موثر بر فرآیند و متأثر از آن را به صورت همزمان در نظر داشته و بستری برای اتخاذ بهترین تصمیم در هر مرحله را برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران پروره فراهم می‌آورد.

### ۳- شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر کیفیات محیطی گذر پیاده

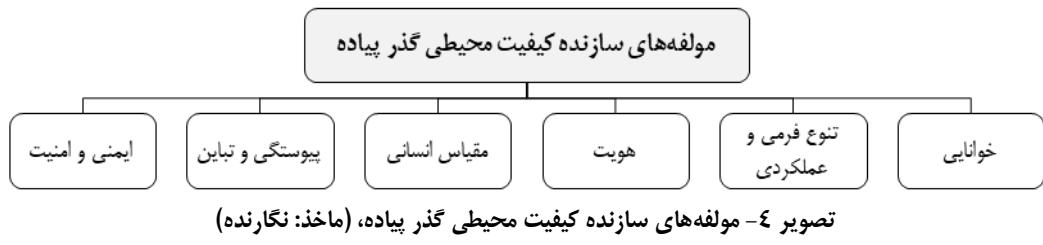
با واکذاری مسئولیت ارتقا کیفیت محیط زندگی انسانی به شهرسازان و به ویژه طراحان شهری، نظریه پردازان مختلف این رشتہ در رابطه با ویژگی‌های لازم یک فضای شهری فارغ از فرم آن، برای افزایش کیفیت محیطی و یا به عبارت دیگر موفق بودن آن نظرات مختلفی را مطرح کرده و مولفه‌های متفاوتی را برای آن برمی‌شمارند. کوین لینچ (۱۹۸۴)، با انتشار "تئوری شکل خوب شهر"، معیارهای سرزنشگی، معنا، تناسب، دسترسی و نظارت و اختیار را به عنوان معیارهای لازم جهت تشکیل فرم شهری مطلوب معرفی کرده و در ادامه دو فوق معیار کارآیی و عدالت را بدان می‌افزاید. بنتلی و همکاران (۱۹۸۴)، "نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسبیات بصری، غنای حسی و زنگ تلقی را از معیارهای دستیابی به محیط‌های پاسخده برشمرده و تعاریف هر یک را به تفصیل ارائه می‌کنند. راجر ترانسیک نیز توجه به پنج کیفیت حفظ تسلیسل حرکت‌ها (ایجاد ارتباط)، محصوریت، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها و مزروج نمودن فضاهای درون و بیرون را جهت فائق آمدن بر مضلات فضاهای گمشده شهری ضروری می‌داند. (گلکار، ۱۳۸۰) به بیانی دیگر می‌توان اظهار داشت، حضور افراد دیگر در فضای به عنوان عاملی محرک و تشویق‌کننده برای دعوت به محیط به شمار می‌رود. این درحالیست که حضور افراد در محیط علاوه بر تامین سرزنشگی و پویایی محیطی، میزان نظارت بر فضا و در نتیجه امنیت آن را افزایش می‌دهد. در این راستا، از اختلاط عملکردی و فعالیتی به عنوان بهانه‌ای برای فراخوان افراد مختلف به محیط می‌توان بهره برد. همچنین با ایجاد فضاهای مکث منطف و متنوع نیز می‌توان جمعت حذف شده به فضا، اد، همان، حا متهقف کرد.

آنچه از تعاریف فوق برمی‌آید نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت فضای شهری، دسترسی بدان است. این دسترسی که از طریق گذرها در ساختار کهن شهری و امروزه از طریق معابر شهری تامین می‌گردد، خود مبایست دربردارنده کیفیت‌هایی باشد تا بنواده عابر را از فضایی به فضای دیگر هدایت کند. بنا به عقیده کالتروب (۲۰۱۱)، طراحی شهری به جای اینکه از خیابان‌ها رو برگرداند، برای افزایش هویت و فعالت‌پذیری پیاده‌روی خیابان‌ها گام برمی‌دارد. ورودی ساختمان‌ها، بالکن‌ها، فروشگاه‌های در کنج، رستوران‌ها، و فضاهای نشستن در کنار خیابان همگی در امنیت خیابان و زندگی بخشیدن به خیابان‌ها نقش دارند. همین تاکیدهای ساده و کوچک هستند که محلات را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در نهایت باعث پیوستگی شهر می‌شود. (کالتروب، ۲۰۱۱: ۱۳۸) در همین راستا، عباس‌زاده و تمri (۱۳۹۱)، با در نظر داشتن معیارهای ارائه شده توسط لینچ، به ارائه مولفه‌های زیبایی‌شناسی-عملکردی جهت بهبود کیفیت‌فضایی پیاده‌راه‌ها با هدف افزایش سطح تعاملات اجتماعی می‌پردازند. (تصویر ۳)



تصویر ۲\_ دیاگرام تحلیلی مولفه‌های تاثیرگذار بر کیفیات فضایی پیاده راه‌ها، (ماخذ: عباسزاده و تمربی، ۱۳۹۱)

از سوی دیگر، اگر یک گذرگاه دارای گذشته پراهمیتی باشد که به خوبی درک شده و مورد تحسین قرار گرفته است، گذشته آن به زمینه ملموسی بدل گشته و به عنوان واسطه‌ای برای عملکرد حاضر آن عمل کرده و ویژگی‌های خود را تعیین می‌نماید. روح رویدادهای مهم و مردمان در آنجا زنده بوده و با تجربه آنی ما در آمیخته، و محتوای عمق‌تر و غنی‌تر خلق می‌نماید. (کرمنا و تیزدل، ۳۰۹: ۲۰۷) بنابراین مولفه‌های تاثیرگذار بر کیفیات محیطی گذر پیاده را می‌توان به شرح زیر (تصویر ۴) خلاصه کرد.



### ۲-۳- گذرهای تاریخی شهرهای ایرانی، بستری برای ارتقا پیاده‌مداری

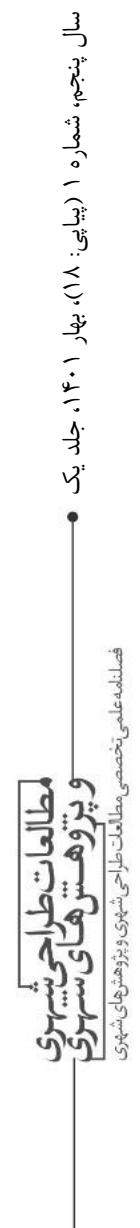
یک گذر شهری به سبب ویژگی کالبدی بینایی‌اش؛ منتهی به معرفی بهتر و منسجم‌تر فضاهای پیرامونی می‌شود. این جنس از فضاهای در عین کارایی متقابل فضاهای و عناصر اطراف، موجب بهم تأتفگی شدید آن‌ها نیز می‌شود. همچنین به سبب ویژگی ارتباطی که در خود جای می‌دهد، الگوی ارتباط میان عناصر مختلف شهری را تعیین و نظام می‌بخشد؛ که نهایتاً منجر به سازماندهی فضایی می‌گردد. (پیروولیا و سهیلی، ۱۳۹۶) بافت تاریخی شهرهای ایرانی نیز بر پایه شبکه‌ای یکپارچه از گذرهای تاریخی بنا شده است که سالیان دراز عهده‌دار حرکت و هدایت عابران به سمت مقاصد مختلف بوده است. این گذرها با کارکردهای متفاوت، نقاط متفاوتی را به یکدیگر متصل می‌سازند، که این امر زمینه‌ساز ایجاد تمایز میان آن‌ها شده است. تفاوت کارکرد و اهمیت میان گذرها در قالب شکل‌گیری سلسله‌مراتب میان آن‌ها نمود پیدا کرده است.

شعله (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "واکاوی گونه‌شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران"، گذرهای تاریخی را شبکه‌ای هم‌پیوند از راههای می‌داند که شاکله بافت، مقیاس و تعیین فضایی قلمرو همگانی را در شهرهای تاریخی رقم می‌زدند. وی چهار دسته کلی از گذرها را در ساختار تاریخی شهرهای ایرانی معرفی می‌کند، که به ترتیب عبارتند از: گذرهای اتصال‌دهنده دروازه‌ها به مرکز شهر، گذرهای اتصال‌دهنده دروازه‌ها به محلات مسکونی، گذرهای اتصال‌دهنده محلات به مرکز شهر و گذرهای اتصال‌دهنده گذرهای اصلی به یکدیگر. (شعله، ۱۳۹۸) هم‌پیوندی این ساختار قابلیت بازآفرینی و توسعه آن را در قالب شبکه‌ای از راههای پیاده افزایش می‌دهد. همچنین به واسطه رعایت مقیاس انسانی و عرض کم می‌بینیم، اولویت بودن پیاده به خودی خود در این ساختار دیده می‌شود. تنها به سبب رها شدن کاربری‌های آن متوقف شده و سرزندگی از این محدوده رخت بر بسته است. ضمن اینکه به واسطه جدارهای فاقد بازشو، میزان نظارت بر فضا کاهش یافته است. با تزریق فعالیت مناسب و شماری اقدامات حفاظتی کالبدی می‌توان جریان زندگی را به آن القا و هویت محدوده را مجددًا احیا کرد.

اما باید به این نکته توجه داشت که یکی از عمدترين دلایل متوقف شدن ساختارهای تاریخی، ناهمانگی آن با زندگی مدرن و خودرو محور بوده است. با وجود مطالعات و تاکیدات کثیر پیرامون مضرات گسترش استفاده از اتومبیل و ضرورت ارتقاء پیاده‌مداری، حمل و نقل جزئی لاینک از زندگی امروزی به شمار می‌رود. حفظ تمامیت ساختار تاریخی در انحصار حرکت پیاده و عدم تجهیز آن برای ورود کنترل شده اتومبیل، اقدامی ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد که پیامدی جز شکست پروژه، اصراف هزینه و متوقف ماندن کلی ساختار مرکزی نخواهد داشت. بدین منظور، هرگونه اقدامی جهت پیاده‌راه سازی گذرهای تاریخی مبایست به گونه‌ای صورت گیرد که ضمن تشکیل شبکه‌ای منسجم و بهم پیوسته، راههای مشخص و کنترل شده‌ای نیز جهت عبور و مرور خودرو نیز پیش‌بینی شده باشد. در غیر این صورت، شاهد حرکت غیرقانونی و غیرقابل کنترل خودرو در سطح محدوده خواهیم بود، که علاوه بر پیامدهای سوء کالبدی، احتمال وقوع پیامدهای جانی را نیز به دنبال خواهد داشت.

### ۴- جمع‌بندی و ارائه فرآیند راهبردی طراحی شهری

مفهوم توسعه پایدار بر این تصویر ساده است که در درازمدت، درآمد یا رفاه را تنها در صورتی می‌توان حفظ کرد که ذخایر سرمایه‌ای سرمنشا آن کاهش نیابد. بدین ترتیب مفهوم سرمایه نیز در مفهوم توسعه پایدار دستخوش تحول می‌شود و انسان، گروههای اجتماعی، محیط‌زیست، فرهنگ و تاریخ را نیز شامل می‌شود. (فاضلی، ۱۴۰۰: ۴۳) به بیانی دیگر، توسعه پایدار نگران تهی شدن کنونی زمین از منابع است، لیکن تنها منابع طبیعی نیستند که در مخاطره قرار گرفته‌اند، بلکه کیفیت‌های دیگر نظری چشم‌اندازهای، میراث فرهنگی، آرامش و توانایی مناطق شهری برای زیست سالم و اینم در خطر نابودی است. (لشکری و خلچ، ۱۳۹۰: ۱۴) همچنین سنت یکیاره قابل تولید نیست و از سوی دیگر، نیاز به آن هرگز از بین نمی‌رود. نادیده گرفتن و یا تکذیب آن، نادیده گرفتن و تکذیب بخشی از هویت فرهنگی است. می‌توان در سنت‌های جامعه تغییر و اصلاح انجام داد و با سنت‌های جدیدی برای تداوم و پیوستگی اجتماع ایجاد نمود؛ این یک فرآیند پویاست. (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷۴) بنابر این دیدگاه، میراث تاریخی یک ملت که در بردارنده سیر تحول اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه است، به عنوان منبعی غنی از هویت و اصالت مطرح می‌باشد که استفاده از آن را به عدم محرومیت نسل‌های آتی از آن مشروط است. از سوی دیگر، به دنبال شکل‌گیری صنعت توریست به عنوان منبع پایدار درآمدی شهرها در عصر معاصر، میراث تاریخی به عنوان موجودیتی هویتمند و منحصر بفرد که منبعی جذاب برای گردشگر جستجوگر است، ضامن حفظ پایداری اقتصادی جوامع متمدن شد.



بافت تاریخی شهرهای ایرانی نیز قدمتی دیرینه داشته و حاوی ارزش‌های کالبدی و معنوی بیشماری است که آن را از سایر مجموعه‌های شهری تمایز می‌سازد. این مجموعه که متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زمانه خود شکل گرفته و بنا بر اقتضای دوران بعدتر تغییراتی را در دل خود پذیرفته است، امروزه به سبب توسعه مدربنیسم در کشور و کوچ ساکنین دیرین خود، به بستری مناسب جهت سکونت قشر کم‌توان بدل گشته است. همچنین معماری درونگرای ایرانی و پیچیدگی‌های کالبدی فضاهای عمومی آن را به بستری مناسب برای جرم و جنایت شهری تبدیل کرده است. بدین ترتیب امروزه منع غنی هویتی که می‌تواند الگویی فاخر برای توسعه‌های آتی شهر و منبعی برای توسعه اقتصاد شهری باشد، به عنوان مضلی لایحل و لازم به مداخلات جراحی‌گونه در حکومت‌های شهری مطرح است. این درحالیست که با کاربست مجموعه‌ای از اقدامات بازآفرینانه و به تناسب ویژگی‌های منحصر‌بفرد هر ساختار، می‌توان بدان جانی دوباره بخشیده و با افزودن کیفیت‌هایی بدان آن را در اختیار نسل‌های آتی قرارداد.

شاكله اين ساختارهای تاریخی برمبنای مجموعه‌ای از گذرهای تاریخی استوار گردیده که عابر را از فضای به فضای دیگر هدایت می‌کند. این شبکه هم‌پیوند که با کارپست متعالی هنر و تکنیک شکل گرفته، از کیفیت‌هایی چون تباین و تنوع فضایی، رعایت مقیاس انسانی برخوردار بوده و در سراسر مسیر، قادر به تامین آسایش اقیمه‌ی رهگذران خود بوده است. همچنین گشودگی‌های فضایی میانه آن که گاهًا در تلقیق با عناصری معمارانه چون سایه‌گذار یا طاق بوده است، بستری برای تعاملات اجتماعی و همسایگی را فراهم می‌ورده است. احیای شبکه گذرهای تاریخی و تبدیل زیرشیکه‌ای از آن به پیادهراه می‌تواند رونقی دوباره به این ساختار بر خاک نشسته ببخشد. همچنین شبکه‌ی پیادهراه بازتعریف شده به عنوان یادگاری از روزگار پارادایم‌های ساده‌مداده، به نسا ها، بعد انتقالاً، می‌باند.

با توجه به اینکه هر ساختار شهری، از پیچیدگی‌های منحصر به خود برخوردار بوده و هرگونه مداخله در آن نیازمند ملاحظات ویژه می‌باشد؛ در این بخش به تدوین فرآیندی راهبردی جهت بازارآفرینی شبکه گذرهای پیاده مپردازیم تا ضمن در نظر داشتن یکپارچه کلیه متغیرهای تاثیرگذار و تاثیرپذیر در روند پروژه، انعطاف‌پذیری لازم جهت انتطاق با ویژگی‌های محدوده را داشته باشد و از این طریق اثربخشی آن افزایش یابد. چرا که طراحی شهری راهبردی، هدف اصلی را ارائه چهارچوپی برای سیاست‌گذاری، و راهنمایی برای ارتقا کیفیت محیط ساخته شده در سطوح و مقیاس‌های مختلف و مطابق با شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه، و خواسته‌های متفاوت و متصاد افراد دینفع و دینفع معرفی می‌کند. (علی‌کائی و امین‌زاده گوهربیزی، ۱۳۹۷) فرآیند راهبردی پیشنهادی به منظور بازارآفرینی شبکه گذرهای تاریخی در قالب ۵مرحله کلی شناخت و تحلیل، ارائه و ارزیابی گزینه‌های پیشنهادی، ارائه راهبرد و سیاست‌ها، تدقیق و اجرا و نهایتاً ارزیابی پس از اجرا خلاصه می‌گردد. انعطاف‌پذیری این فرآیند، ضمن در نظر داشتن همزمان کلیه مولفه‌های تاثیرگذار و تاثیرپذیر امکان تطابق آن با ویژگی‌های منحصریفرد هر ساختار تاریخی را فراهم آورده و اثربخشی آن را ارتقا می‌دهد. در این مدل (تصویر ۵)، بازارآفرینی شبکه‌ای از گذرهای تاریخی به عنوان هدف کلی مجموعه در نظر گرفته شده و پس از آن ۵مرحله اصلی به شرح زیر دنبال خواهد شد.

**۱. شناخت و تحلیل:** این مرحله در ابتدای شامل شناسایی جایگاه جغرافیایی و عملکردی بخش تاریخی در ساختار شهر و در ادامه شناسایی دقیق ویژگی‌های کالبدی و عملکردی آن می‌باشد. به منظور برخورداری طرح پیشنهادی از اعتبار تاریخی و فرهنگی، لازم است این مرحله با بررسی دقیق، استاد تاریخ، صورت بذیرد.

**۲. ارائه و ارزیابی گزینه‌های پیشنهادی:** در این مرحله توصیه می‌شود، شبکه‌ی پیشنهادی در انطباق با یکی از شبکه‌های گذربندی تاریخی صورت پذیرد تا از غایی بالاتری برخودار باشد. انطباق شبکه پیاده پیشنهادی با یکی از شبکه‌های گذربندی تاریخی، امکان حرکت یکپارچه پیاده در سراسر محدوده و جابجایی میان مکان‌های اصلی محدوده را فراهم می‌آورد. این امر در حیات بخشی به تک فضاهای موجود در ساختار تاریخی، موثر واقع خواهد شد.

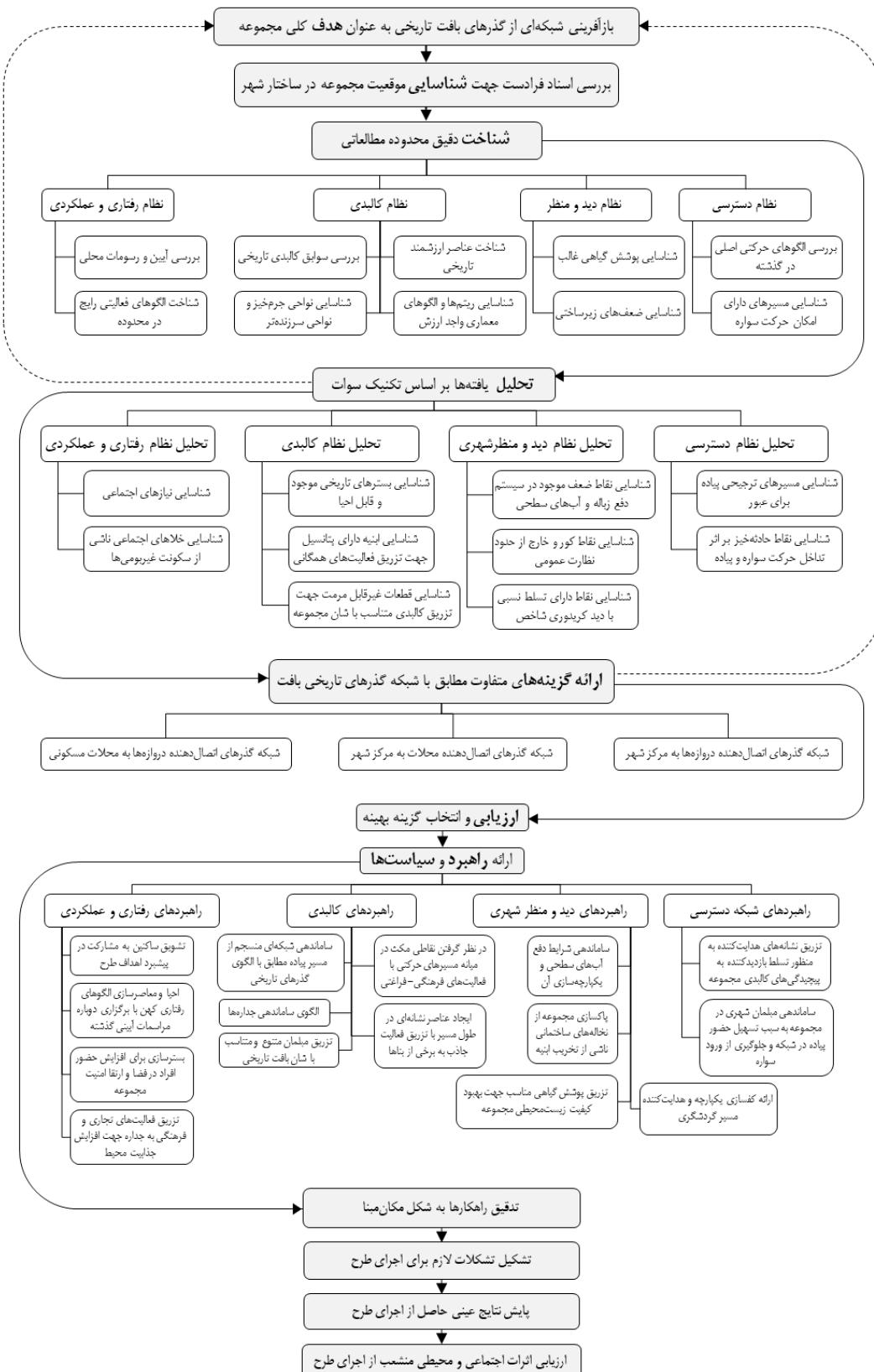
**۳. ارائه راهبرد و سیاست‌ها:** راهبردهای پیشنهادی در این سطح شامل سیاست‌هایی کلی چهت ارتقا حضور پذیری فضای بوده که با توجه به پتانسیل‌ها و نیازهای حوزه مداخلاتی، قابلیت انتقال دارد.

۴. تدقیق و اجرا: این مرحله مبایست توسط مقامات محلی و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی در پیش گرفته شود. بهره‌مندی از مشارکت محلی در این مرحله، علاوه‌بر کاستن از بار مالی بر دوش مقامات محلی، پیامدهای سو ناشی از اجرای طرح تا حد ممکن کاهش یافته و در عین حال سماهه اجتماعی و حس تعلق ساکنین ارتقا یابد.

**۵. ارزیابی پس از اجرا:** با لحاظ داشتن مشارکت عمومی در مرحله تصمیم‌گیری و اجرای طرح، پیامدهای اجتماعی ناشی از طرح تا حد چشم‌گیری به حداقل خواهد رسید. با این وجود، به سبب تغییرات طبیعی جوامع بر اثر گذر زمان و شکل‌گیری بنازهای جدید، ارزیابی پس از توسعه می‌تواند راهنمای اصلاح اقدامات قبلی و یا تعیین کننده چشم‌انداز اقدامات

لازم به تاکید است که در این مدل، ارزیابی و پایش در هر مرحله به تناسب پیشرفت هر مرحله صورت پذیرفته و در صورت بروز هرگونه مسئله امکان بازگشت به مرافق قبل و تعدیل تصمیمات و اهداف وجود دارد. برآیند ویژگی های یاد شده امکان بروز پیامدهای منفی طرح را به حدائق رسانده و با در نظر داشتن همزمان کلیه معیارهای موثر و جامعه تحت تاثیر طرح، بهگهوری طرح ای به حداقث مر ساند. امید است که با تهسعه و کارست حنین، تفکرات و فرآیندها، سطح کفیت محظوظ ساخته ای، تاریخ، و

به زوال کشور افزایش یابد. همچنین هویت جامعه احیا شده و با نمایش ویژگی‌های منحصر بفرد شهرهای تاریخی مان در عرصه جهانی به تصویر منحصر بفرد شهرهای ایرانی-اسلامی دست یابیم.



تصویر ۵- فرآیند طراحی شهری راهبردی بازآفرینی شبکه گذرهای پیاده در بافت تاریخی (ماخذ: نگارنده)

## منابع

۱. فاضلی، محمد (۱۴۰۰)، «ارزیابی تاثیرات اجتماعی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها»، چاپ سوم، تهران: نشر تیسا ساغر مهر
۲. لشکری، الهام و خلج، مهرشاد (۱۳۹۰)، «اصول پایداری شهری در اقلیم گرم و خشک ایران با تأکید بر شهرهای کهن»، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج هنر
۳. عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۹۴-۹۵
۴. شیعه، اسماعیل؛ حبیبی، کیومرث و سعیدی، مهدی (۱۳۹۴)، «برنامه‌ریزی طراحی محور به عنوان رویکردی نوین در شهرسازی»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۳-۱۴
۵. لطفی، سهند. (۱۳۹۱)، «تبارشناسی بازآفرینی شهری، از بازسازی تا نو زایی»، چاپ اول، تهران: انتشارات آذرخش
۶. علی‌کائی، سعیده و امین‌زاده گوهرریزی، بهناز (۱۴۰۰)، «تبیین مفاهیم فرآیند طراحی شهری مبتنی بر رهیافت راهبردی و اولویت‌بندی کاربرست آن در پروژه‌های طراحی شهری ایران»، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱-۲۰
۷. بحرینی، سید حسین؛ بلوکی، بهناز و تقابن، سوده (۱۳۹۳)، «تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، جلد اول: اواخر قرن ۱۹ تا دهه هفتم قرن ۲۰ میلادی»، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۸. علی‌کائی، سعیده و امین‌زاده گوهرریزی، بهناز (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر تحولات محتوایی و رویاهی فرایند طراحی شهری و کاربرست آن در پروژه‌های طراحی شهری ایران»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۶۷-۸۰
۹. لینچ، کوین (۱۳۹۴)، «تئوری شکل شهر»، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. کرمونا، متیو و تیزدل، استیو (۱۳۹۴)، «خوانش مفاهیم طراحی شهری»، ترجمه کامران ذکاوت و فرناز فرشاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات آذرخش
۱۱. کالتروب، پیتر. (۱۳۹۴)، «شهرنشینی در عصر تغییرات آب و هوای» ترجمه سید حسین بحرینی و معین همتی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. ریچاردز، گرگ و پالمر، رابت (۱۳۹۸)، «شهرهای رویدادمدار، مدیریت فرهنگی و بازنده‌سازی شهری»، ترجمه سینا جنگجو، کیمیا حق‌نگهدار، زهرا حسن‌دائی و فرهاد نیک‌نژاد، شیراز: انتشارات مرجع علم
۱۳. حسن‌زاده، مهرنوش و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۵)، «طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، بهار ۹۵، شماره ۲۳، صص ۱۹-۲۹
۱۴. کرمونا، متیو (۱۳۹۹). «طراحی شهری پایدار: اصولی برای عمل»، ترجمه اکبر عبدالمازاده طرف و منصور منصوری، چاپ اول، تهران: انتشارات طحان
۱۵. ذکاوت، کامران (۱۳۸۱)، «طراحی شهری و تاکیدهای محتوایی در نظام هدایت»، فصلنامه مدیریت شهری، بهار ۸۱ شماره ۹، صص ۲۸-۴۳
۱۶. گلکار، کوروش (۱۳۹۰)، «طراحی شهری، فرایند یا فرایندها»، نشریه علمی-پژوهشی صفحه، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۹۹-۱۳۴
۱۷. پیروالیا، مرجان و سهیلی، جمال الدین (۱۳۹۶)، «کیفیت فضای بینایی در گذرهای تاریخی (نمونه موردی: گذر ساغری‌سازان رشت)»، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، بهار و تابستان ۹۶، شماره ۱۳، صص ۳۳-۴۸
۱۸. بنتلی، ایان؛ الک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۹۸)، «محیط‌های پاسخده: راهنمایی برای طراحان»، ترجمه مصطفی بهزادفر، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
۱۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۰)، «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی-پژوهشی صفحه، دوره ۱۱، شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵
۲۰. شعله، مهسا (۱۳۹۸)، «واکاوی گونه‌شناسانه‌ی عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران (نمونه‌موردی: بافت تاریخی شیراز)»، انتشارات دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۷۵-۹۵

21. Mısırlısoy, D., & Günce, K. (2016). Adaptive reuse strategies for heritage buildings: A holistic approach. *Sustainable cities and society*, 26, 91-98.
22. Madanipour, A. (1997). Ambiguities of urban design. *The Town Planning Review*, 363-383.
- Hillier, B. (1996). Cities as movement economies. *Urban design international*, 1(1), 41-60.

